

اطلاعات قدرت است. اما همچون همه‌ی انواع قدرت، برخی می‌خواهند آن را منحصر به خودشان داشته باشند. تمام موروثات علمی و فرهنگی جهان که طی قرن‌ها در کتب یا ژورنال‌ها منتشر شده‌است توسط تعداد انگشت‌شماری شرکت خصوصی دیجیتالیزه و محصور می‌شود. می‌خواهید مقالات دربردارنده‌ی معروف‌ترین کشفیات علمی را بخوانید؟ می‌بایست به ناشرانی هم‌چون الزویر مبالغ هنگفتی بپردازید.

برخی در تلاشند این وضعیت را تغییر دهند. جنبش دسترسی آزاد برای اطمینان از اینکه دانشمندان از حق نشر آثار خودشان محروم نشوند و اینکه آثارشان در اینترنت منتشر شود تا در دسترس همگان باشد شجاعانه جنگیده‌است. اما در بهترین حالت این تلاش منحصر به آثاری می‌شود که از این پس منتشر شوند. همه چیز پیش از این از دست رفته‌است.

چه بهای سنگینی! دانشگاهیان را مجبور کنند برای مطالعه‌ی آثار همکارانشان هزینه پرداخت کنند؟ همه‌ی کتابخانه‌ها را اسکن کنند اما فقط به کارکنان گوگل اجازه‌ی مطالعه بدهند؟ مقالات علمی را در اختیار آن‌هایی که در برترین دانشگاه‌ها هستند قرار دهند اما از کودکان جهان جنوب سلب کنند؟ این رفتار ظالمانه و غیر قابل قبول است.

بسیاری می‌گویند: «قبول دارم، ولی چه کاری می‌تونیم بکنیم؟ اون شرکت‌ها صاحب حق نشر هستن، کلی پول از فروش دسترسی در میان و کارشون کاملاً قانونیه، ما نمی‌تونیم هیچ کاری بکنیم.» اما کارهایی هست که از دست ما بربیاید، کارهایی که از پیش انجام می‌شود: ما می‌تونیم مبارزه کنیم.

شما دانشجویان، کتاب‌داران و دانشمندانی که به این منابع دسترسی دارید یک امتیاز دارید. شما بر سفره‌ای از دانش نشسته‌اید که سایرین محروم‌اند. اما شما مجبور نیستید (و از نظر اخلاقی نباید) این امتیاز را فقط برای خود نگه دارید. شما وظیفه دارید این دسترسی را با سایر جهانیان به اشتراک بگذارید. از طریق اشتراک رمز عبور با همکاران یا دانلود محتوای مورد درخواست دیگران.

آن‌هایی که محروم مانده‌اند ساکت ننشسته‌اند، در این حال شما از حفرات گذشته‌اید و از زرده‌ها پریده‌اید تا دانش محصور به دست ناشران را آزاد کنید و با دوستانتان به اشتراک بگذارید.

اما این امور در تاریکی و خفا انجام می‌شود. اسمش را سرقت یا دزدی دریایی گذاشته‌اند تو گویی اشتراک گذاری دانش از نظر اخلاقی هم‌ارز با سرقت کشتی و گشتن خدمه است. اما اشتراک گذاری غیر اخلاقی نیست که التزام اخلاقی است. فقط آن‌هایی که از حرص کور شده‌اند به یک دوست اجازه نمی‌دهند کپی بگیرد.

شرکت‌های بزرگ، البته که با حرص کور شده‌اند. قوانین حاکم بر آن شرکت‌ها آن‌ها را ملتزم می‌کند، سهام‌دارانشان به سود کم‌تر راضی نیستند. و سیاست‌مدارانی که خریده‌اند پشتشان هستند، قوانینی تصویب می‌کنند که قدرت مطلق به آن‌ها بدهد دسترسی‌ها را کنترل کنند.

هیچ عدالتی در پیروی از قوانین ناعادلانه وجود ندارد. زمانش رسیده از سایه خارج شویم، به رسم دیرینه‌ی نافرمانی مدنی روی آوریم و مخالفتمان با این سرقت از فرهنگ عمومی را اعلام کنیم.

باید اطلاعات را تهیه کنیم، هر جایی که ذخیره شده‌اند، کپی کنیم و با بقیه‌ی جهان به اشتراک بگذاریم. باید آن‌چه که خارج از حق نشر عمومی است را گرفته و به آرشیو اضافه کنیم. باید دیتابیس‌های محرمانه را بخریم و در اینترنت آپلود کنیم. باید مجلات علمی را دانلود کرده و در شبکه‌های اشتراک‌گذاری فایل آپلود کنیم. ما باید در مبارزه چریکی دسترسی آزاد بجنگیم. با تعداد کافی از ما در سراسر جهان، نه تنها پیامی قوی در مخالفت با شخصی سازی دانش مخابره، بلکه آن را به یک خاطره تبدیل خواهیم کرد. به ما می‌پیوندید؟

آرون شوارتز [ترجمه به فارسی توسط متین غلامی]

ژولای ۲۰۰۸، اِرمو، ایتالیا